

«برای صلح، برای فلسطین»

بیانیه‌ای از جنبش چپ ایران در دفاع از «مردم»

این روزها که بار دیگر بر طبل حمله‌ی نظامی به ایران کوبیده می‌شود، گروهی از مردم اسرائیل کمپینی را در مخالفت با جنگ احتمالی دولت اسرائیل و آمریکا علیه ایران آغاز کرده و به واسطه‌ی آن پیام‌های دوستی و احترام خود را برای مردم ایران می‌فرستند؛ البته از موقعیتی فرادست و با این پیام که ما «هرگز به ایران حمله نخواهیم کرد». گروهی از ایرانیان نیز متقابلاً پیام دوستی و احترام به مردم اسرائیل فرستاده‌اند، و ضمن اعلام برانگیز از جنگ‌طلبی دولت ایران، با حمله‌ی نظامی به ایران مخالفت کرده‌اند. ناگفته نماند که گروهی از سازمان‌دهندگان اولیه‌ی کمپین طرف ایرانی، از فعالان سیاسی دست‌راستی هستند که اتفاقاً پیش از این، ابایی از بیان حمایت خود از حمله‌ی نظامی به ایران نداشتند و آن را در بوق و کرنا می‌کردند، و رسانه‌ها پر بود از حمایت آشکار و نهان آن‌ها از تحریم‌های اقتصادی و جنگ، تحت عنوان «مداخله‌ی بشردوستانه» در ایران. بخشی از این لشکر نولیبرال‌های ایرانی نیز با ماسک‌های «ضد جنگ» و «ضد تحریم» مشغول تئوری پردازی برای به اصطلاح «مداخله‌ی بشردوستانه»ی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری جهانی بر علیه ایران بودند. اگرچه کمپین ضد جنگ و دوستی متقابل از سوی شهروندان کشورها، مستقل از دولت‌هایشان در شرایط بحرانی تشدید جنگ لفظی و تشنگی هر دو طرف به بحران، یک اقدام مثبت به شمار می‌رود، اما نادیده گرفتن رنج مردم ایران در سی‌وسه سال گذشته و مساله‌ی مردم فلسطین از بخش‌های مهم فراموش‌شده در این کمپین هستند.

به باور ما، جنبش‌های مردمی ضد جنگ باید به شکلی نمادین مرزهای بین کشورها - جایی که نمود اعمال قدرت دولت‌ها محسوب می‌شود- را از بین برده و در پی ایجاد همبستگی هرچه بیشتر بین مردم کشورهای درگیر باشند. «کمپین ضد جنگ» در اسرائیل، باید از نقد و نفی «دیوار جدایی» که حائل است بین مردم اسرائیل و باقی مردم دنیا موجودیت خود را آغاز کند. هیچ کارزار ضد جنگی از اسرائیل نمی‌تواند پیام صلح و دوستی به هیچ نقطه‌ای از جهان بفرستد بی آن‌که آن پیام از بدن‌های به فقر کشانیده‌شده و بی‌حقوق مردم فلسطین عبور کند. مردم اسرائیل نمی‌توانند با جنگ علیه ایران مبارزه کنند پیش از آن که متوجه این امر مهم شوند که در حال حاضر جنگی علیه مردم فلسطین و ایران در جریان است که این جنگ البته از بی‌عدالتی‌های سیاسی- اقتصادی در اسرائیل و دیگر نقاط جهان جدا نیست.

تهدید به مداخله‌ی نظامی و خطر اعلان جنگ به ایران در شرایطی اوج گرفته که مبارزات و مقاومت‌های مردمی در ایران طی سه سال گذشته توجه بخشی از افکار عمومی و فعالین سیاسی در جهان را از برنامه‌ی هسته‌ای، به سمت خواسته‌های سیاسی و اقتصادی مردم ایران معطوف کرده است. درست زمانی که حکومت تحت فشار عظیم نارضایتی سیاسی- اقتصادی و مقاومت مردم در ایران قرار دارد، تهدید به جنگ به یاری حکومت ایران آمده است تا نگاه‌ها را از موضوعات داخلی منحرف ساخته و دستیابی به مطالبات تاریخی-سیاسی برابری طلبانه و آزادیخواهانه را برای مردم ایران به تأخیر بیندازد؛ آن هم در شرایطی که بسیاری از مردم در ایران به خاطر مبارزه برای همین مطالبات زندانی می‌شوند و یا مجبور می‌شوند کشور را ترک کنند. چنین شرایطی در بحبوحه‌ی مبارزات پس از انقلاب بهمن سال ۵۷ درست زمانی که صدام حسین از سوی آمریکا و اروپا به جنگ با ایران تشویق شد نیز در جریان بود. جنگ عراق علیه ایران، مردم ایران را مجبور کرد به جای این‌که در مقابل انحراف انقلاب و مصادره‌ی ضد انقلابی آن بایستند، از زندگی و کشورشان دفاع کنند.

شاید به همین دلیل است که بسیاری از مردم ایران، تهدید به جنگ علیه کشورشان را تلاشی از جانب برخی حکومت‌ها برای در قدرت نگه‌داشتن جمهوری اسلامی تلقی می‌کنند، آن هم درست زمانی که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین دوران حیات خود بسر می‌برد.

بیش از سی سال است که مردم ایران نه تنها به تناوب از تهدید حمله به کشورشان رنج برده‌اند، که همواره قربانی تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه شده و هر ساله تعداد کثیری از آن‌ها، در نتیجه‌ی این تحریم‌ها، در سوانح هوایی کشته می‌شوند. آثار غیر قابل انکار تحریم‌ها بر سامانه‌ی ارائه‌ی خدمات سلامت در ایران، حوزه‌ی بهداشت و درمان را در موقعیتی بحرانی فرو برده است. این تحریم‌ها و تهدیدها به ایجاد بازار زیرزمینی و تشدید فساد اقتصادی توسط لایه‌هایی از حکومت کمک کرده است. به وضوح می‌توان دید که تحریم‌های اقتصادی و تهدید به جنگ، فشارهایی نیستند که تنها بر حکومت ایران تحمیل می‌شوند، بلکه پیکره‌ی اقتصادی-سیاسی در ایران، مبارزات مردم و امید آن‌ها برای رسیدن به آینده‌ی بهتر برای کشورشان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. مردمی که رنج یک کودتای انگلیسی-آمریکایی را کشیده‌اند و تا همین امروز نیز تبعات آن را متحمل شده و مبارزات‌شان اغلب با تهدید قدرت‌های جهانی به جنگ پس زده شده‌است، دلایل بی‌شماری دارند که به لحاظ سیاسی، نسبت به در دست گرفتن سرنوشت‌شان، احساس ناامیدی و سرخوردگی کنند. شک و تردید برای چنین مردمی نه جزئی از یک تئوری توطئه، بلکه یک نتیجه‌گیری عقلانی از تاریخ است. افزون بر این، ما معتقدیم این کمپین ضد جنگ، تنها در صورتی که دربرگیرنده‌ی مردم فلسطین باشد، می‌تواند از نهادهای قدرت اعلام استقلال کرده و مخاطب را مجاب کند که صرف نظر از قومیت‌ها و ملیت‌ها خواستار عدالت است و نشان دهد که رابطه‌ی میان مسأله‌ی فلسطین و تهدید جنگ علیه ایران را درک کرده است. مسأله‌ی فلسطین تنها محدود به فلسطینیان نمی‌شود. فلسطین یک مفهوم جهانی است و مرزها را در می‌نوردد. همبستگی میان مردمان ستمدیده از این رو لازم است که مسأله‌ی یک گروه از آن‌ها ابزاری برای استعمار گروهی دیگر نشود. در حالی که فعالین کارگری همچون «رضا شهابی»، «شاهرخ زمانی»، «بهنام ابراهیمزاده»، «محمد جراحی»، «ابراهیم مددی»، «علی‌رضا اخوان»، «پدرام نصراللهی» و... به خاطر فعالیت‌هایشان در دفاع از حقوق زحمتکش‌شان برای سال‌ها به زندان محکوم شده و در بند هستند، طرح مسأله‌ی فلسطین از سوی حکومت ایران تنها یک نمونه از بهره‌برداری‌های مضحک دولت‌ها است تا خود را به عنوان سردمدار دفاع از حقوق ستمدیدگان جهان جا بزنند. حکومت ترکیه نیز، که کردهای ساکن این کشور را به خاطر برپایی مراسم سال جدیدشان سرکوب می‌کند، یا یک دانشجو را به دلیل استفاده از شال فلسطینی به زندان می‌افکند، به نحو دیگری مسأله‌ی فلسطین را مورد سوء استفاده قرار می‌دهد تا خود را مدافع عدالت برای مردم تحت ستم جهان معرفی کند.

برخلاف آنچه نهادهای قدرت می‌خواهند ما بدان باور داشته باشیم، حکومت اسرائیل و حکومت ایران و سوریه، دشمنی اساسی با یکدیگر ندارند، بلکه هریک از آن‌ها به مثابه نیروی مکملی در پاسخ به نیاز دیگری در این چرخه‌ی ضد مردمی عمل می‌کنند. به عنوان مثال حکومت اسرائیل بدون استفاده‌ی ابزاری از حکومت ایران برای انحراف افکار عمومی جهان و رسانه‌ها، چطور می‌توانست با ستم سیستماتیک علیه مردم فلسطین، اعتصاب غذای «حنا الشلبی»، و تظاهرات گسترده‌ی مردمی در اسرائیل در اعتراض به روندهای بیدادگرانه‌ی متاخر سرمایه‌ی مالی، دست به مقابله بزند؟ حکومت ایران در حالی که تمام تلاش خود را به کار بسته تا مقاومت کارگران، فعالان مدنی، دانشجویان و روزنامه‌نگاران ایرانی را سرکوب کند، بدون کمک حکومت اسرائیل در ایجاد خطر جنگ و دامن زدن به جنگ لفظی، چگونه می‌توانست در مقابل مقاومت مردمی در ایران بایستد؟ به باور ما، در چنین پس‌زمینه‌ای که کارزار ضد جنگ و احترام متقابل میان مردم اسرائیل و ایران در آن شکل گرفته، اعتراض به جنگ و تجاوزهای امپریالیستی دولت اسرائیل و متحدانش، بی‌شک باید در پیوند تنگاتنگی با حمایت از حقوق مردم فلسطین، و مبارزه با حکومت‌های ضد مردمی منطقه مانند

اسرائیل، سوریه، ترکیه، ایران و ... باشد که از مسأله‌ی فلسطین برای سرپوش گذاشتن بر خودکامه‌گی‌ها و انقیاد بخش‌های مختلف مردم در عرصه‌ی داخلی سوء استفاده می‌کنند. و به همین ترتیب مردم فلسطین باید آگاه باشند که عدالت و رهایی برای فلسطین از طریق حمایت‌های مستبد عملی نمی‌شود، چرا که این حکومت‌ها تنها برای سرپوش گذاشتن بر ستم سیستماتیک داخلی‌شان بر مردم خود و زد و بندهای سیاسی با امپریالیسم، خود را در کنار نیروهای مترقی جهان از حامیان مردم فلسطین جا زده‌اند.

فهرست اول امضاها:

امیرعباس آذرم‌وند
سهیل آصفی
عسل اخوان
مرجان افتخاری
مریم افشاری
بابک اکبری فراهانی
امیر امیرقلی
بهداد بردبار
هژیر پلاسچی
آرزو پوراسماعیلی
زهرا پورعزیزی
عابد توانچه
منصور تیفوری
اسماعیل جلیوند
جمعی از دانشجویانِ چپ دانشگاه‌های تبریز
امین حصوری
مینا خاتلرزاده
مینا خانی
اشکان خراسانی
گلناز خواجه‌گیری
سارا دهکردی
دیدار از طرف بلاگرهای فتوبلاگ ولی عصر
عطا رحمتی
پژمان رحیمی
رضوان زندیه
طاها زینالی
ربرت سپانیان
محسن سهرابی
سامان شاه‌محمدی
مصی شیروانی
ستاره صبور
محسن عمادی
میثم فرهنگ
علی کلایی

آرش کیا
امیر محسن محمدی
قادر محمدی
سپهر مساکنی
امیر مهرزاد
یونس میر حسینی
پریسا نصر آبادی
پویا نودهی
بهادر نیکفر
آرمین نیکنام
وحید ولی زاده
عدنان هم قبیلہ
سحر یزدانی پور

جمع آوری امضاها برای لیست دوم ادامه دارد، در صورت تمایل به امضای این بیانیہ نام خود را به ایمیل زیر بفرستید:

iraninanleft@gmail.com